

دکتر حسن عالی‌پور\*

## اشاره:

بازداشت کشتی‌های ایرانی در کناره‌های دریایی برخی کشورها، بازداشت یا گروگان‌گیری پیاپی ماهی‌گیران و ملوانان ایرانی، وضعیت ناگوار پناهندگان ایرانی در کشورهای دیگر، آزار ایرانی‌ها در برخی کشورها، بازدارنده‌های حقوقی مهاجران ایرانی و دشواری‌های سفر ایرانیان به خارج به ویژه ایالات متحده آمریکا، دست‌اندازی به دارایی ایران در دیگر کشورها با دستورهای قضایی و مانند اینها در زمره رخدادهای یا فرآیندهایی هستند که جایگاه و ارج ایرانی در فراسوی مرزها را به چالش کشیده است؛ به ویژه حس رهاشدگی از پشتیبانی‌های دولت نسبت به ایرانیان بیرون از مرز، سبب شده تا اعتبار ملی نه تنها در نزد خود ایرانیان که در نزد بیگانگانی که با ایرانیان روبرو می‌شوند، کم‌رنگ شود. این نوشتار با پرداختن به سرگذشت ماهی‌گیران و ملوانان و نیز پناهندگان ایرانی، در پی آن است که نشان دهد، پشتیبانی از ایرانی حتی اگر سرزمین مادری خود را ندیده باشد، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های ارج و اعتبار ملی است که در سیاست خارجی دولت باید جایگاه بالایی داشته باشد.

## مقدمه

دولت‌ها همه برنامه‌ها و کارهای خود را به نام پشتیبانی از شهروندان خود انجام می‌دهند. به هر اندازه که این پشتیبانی راستین، روشن و پیاپی باشد؛ به همان اندازه نیز جایگاه معنوی دولت در نزد شهروندان خویش و شهروندان دیگر کشورها افزایش می‌یابد. از سوی دیگر بی‌پروایی نسبت به شهروندان در فراسوی مرزها نه تنها این نیروی معنوی دولت را کاهش می‌دهد و کاهش اعتبار ملی در نزد دیگر کشورها را به دنبال می‌آورد بلکه زمینه‌ساز دشواری‌ها و بن‌بست‌های فراوانی برای شهروندان ایرانی در دیگر کشورها می‌شود که دیگر دولت نخواهد توانست، برنامه‌ای روشن و کارآمد برای زدودن آنها داشته باشد.

ایرانیان فراسوی مرزها را می‌توان بر پنج دسته دانست: نخست گروه مخالف که به ایرانیانی می‌پردازد که به جهت انقلاب مردمی و اسلامی سال ۵۷ یا رخدادهای سیاسی پس از انقلاب به رویارویی با جمهوری اسلامی برخاسته‌اند. دوم، ایرانیان مهاجر و مقیم در دیگر کشورها که نرخ آن بسیار بالا است و بیش از هفت درصد کل جمعیت ایرانیان در جهان را تشکیل می‌دهد. بخشی بزرگ از این شمار، دانشجویان ایرانی‌اند؛ چندان که در برنامه محروم‌سازی ایران و شش کشور عراق، لیبی، سومالی، سودان، سوریه و یمن از ورود به ایالات متحده، ایران به تنهایی بیش از دوازده هزار تن و به اندازه سه برابر این شش کشور در آمریکا دانشجوی دارد. در سال ۹۲ به گزارش وزارت علوم، ۵۵ هزار و ۶۸۶ نفر از دانشجویان ایرانی خارج از کشور برای دریافت معرفی‌نامه در سامانه نشاء ثبت‌نام کردند که نرخ بالای دانشجویان ایرانی در بیرون از کشور را نشان می‌دهد. سوم، ایرانیان پناهنده که به ویژه در سال‌های پس از تحریم‌های بین‌المللی بر شمار آنها افزوده شده است و در سال ۱۳۹۴، که برخی دولت‌ها مانند آلمان به پناهجویان خاورمیانه‌ای چراغ

سبز نشان دادند، شمار ایرانیان پناهجو نزدیک به شمار پناهجویان کشورهای جنگ‌زده مانند عراق، سوریه و افغانستان بوده است. چهارم، ایرانیان متهم یا محکوم، خواه کیفری و خواه غیر کیفری که نیاز به پشتیبانی حقوقی دارند که در این میان محکومان به اعدام از وضعیت بدتری رنج می‌برند. پنجم، ایرانیان بازرگان یا پیشه‌ور مانند ماهی‌گیران که به جهت تحریم‌های بین‌المللی و یا نبود پشتیبانی‌های دولتی از وضعیت شایسته‌ای برخوردار نیستند. به اینها باید دارایی‌های ایران در دیگر کشورها و نیز سرزمین ایستا یا همان سفارتخانه‌ها و از همه مهم‌تر، سرزمین پویا یا سیال یعنی ابزارهای ترابری مانند کشتی و هواپیما را که با پرچم ایران به آمد و شد می‌پردازند، افزود.

هرچند دولت یازدهم هم به جهت سیاست‌های اعلام‌شده پیشین، هم به دلیل رویکردهای باز در حوزه سیاست خارجی و هم از دید حقوق شهروندی و به ویژه بارونمایی از منشور حقوق شهروندی ایرانیان می‌کوشد تا به پشتیبانی از ایرانیان بیرون از کشور پردازد ولی این سیاست‌ها نه یکپارچه است و نه دنباله‌دار. برای سنجش این سیاست‌ها به برخی رخدادهای پیونددار با ایرانیان بیرون از کشور پرداخته می‌شود. پیش از آن باید گفت دامنه پشتیبانی‌ها بسته به وضعیتی است که شخص یا پدیده مورد پشتیبانی دارد: نخست ایرانیانی که در ایران زندگی می‌کنند ولی به جهت پیشه بازرگانی یا سیاسی یا پژوهشی یا آموزشی یا مانند اینها به کشورهای دیگر آمد و شد دارند. دوم، ایرانیانی که زندگی را در کشور دیگری گزیده یا به طور چند گاهه به ایران می‌آیند یا نمی‌آیند. سوم، دارایی ایستا و پویای ایران که همه دارایی‌های غیر منقول و منقول دارای پرچم یا وابسته به ایران و نیز وابسته به ایرانیان را در برمی‌گیرد. در آغاز به ملوانان ایرانی به عنوان نمونه‌ای از ایرانیانی پرداخته می‌شود که در ایران زندگی می‌کنند ولی فراتر از سرزمین به فعالیت می‌پردازند و نیز به پناهندگان و مهاجران که در ایران زندگی نمی‌کنند و سپس به دارایی‌های ایران در بیرون از کشور در بیکره تهدیدها پرداخته می‌شود. در پاسخ به این تهدیدها در دنباله به بایسته‌های حمایت نیز اشاره می‌شود:

## الف: تهدیدها

### ۱- ملوانان و ماهی‌گیران ایرانی

بزرگ‌ترین چالش ملوانان، ماهی‌گیران و کشتی‌های غیر نظامی در سال‌های کنونی، تهدید راهزنان دریایی سومالی است. این تهدید، بزرگ‌ترین تهدید دریایی آغاز شده بیست و یکم در جهان است که همه گستره دریایی خلیج عدن که هفت درصد کل نفت جهان از این خلیج آمد و شد دارد، بخش باختری اقیانوس هند و دریای عرب را دربرمی‌گیرد. راهزنان سومالیایی در سال ۲۰۰۰ با ۲۲ راهزنی دریایی،

تهدید خود را آشکار و سپس در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به نوبت ۱۰۸، ۲۱۶ و ۲۱۸ مورد، راهزنی کردند. راهزنان دریایی سومالی در سال ۲۰۱۱ بیش از ۷۰۰ گروگان و ۳۲ فروند کشتی تجاری در اختیار داشتند. پس از اوج‌گیری تهدید اینان در سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲، که در هر سال راهزنی‌هایشان فراتر از ۲۰۰ مورد بود؛ با کنترل خلیج عدن و بخش باختری اقیانوس هند از سوی کشتی‌های رزمی برخی کشورها به ویژه کشتی‌های آمریکایی، اروپایی و ایرانی، شمار تهدیدها کاهش یافته است ولی به جهت ناتوانی دولت مرکزی در سومالی و ناتوانی از دیده‌بانی سرزمین دریایی، پیوند استوار دزدان دریایی و مقام‌های محلی و نهادهای بیمه‌ای در سومالی، توانایی در جابه‌جایی مکان راهزنی در دریاها و گستردگی حوزه فعالیت، تهدید راهزنان دریایی سومالیایی کنترل‌ناپذیر است و سال‌های چندی دنباله خواهد داشت. بر پایه گزارش یک بنیاد پژوهش‌های اقتصادی آلمانی، دزدان دریایی سومالی کسانی‌اند که پیش از راهزنی پیشه خود را از دست داده‌اند و باور بر این دارند که ماهی‌گیران و کشتی‌های بیگانه نیز در محروم‌سازی آنها بی‌تأثیر نبوده‌اند. از این رو به راهزنی دریایی به دیده تجارت می‌نگرند و گام‌گام به این تجارت خو گرفته و باندهای مجرمانه چندی پدید آورده‌اند. راهزنان با مقام‌ها و مردم محلی سومالیایی نیز پیوند و برای گروگان‌های خود نیز جا برای پنهان یا زندانی کردن دارند تا در زمان و جای مناسب بتوانند به داد و ستد گروگان‌ها و پول پردازند.

تهدید دزدان سومالیایی برای کشتی‌های ایرانی و ملوانان ایرانی نیز به چهره چالشی راستین درآمده است. نزدیک به دو سال پیش یک لنج ایرانی با ۱۲ تن ماهی‌گیر و ملوان، گرفتار دزدان دریایی سومالی شدند. گفته می‌شود که چهارتن از این شمار، کشته شده‌اند و هشت تن دیگر با دست و پای به زنجیر



## ۲- مهاجران و پناهندگان

مهاجرت قانونی و غیر قانونی ایرانیان به کشورهای دیگر در دو موج گسترده پس از ناآرامی‌های سال ۱۳۸۸ و تحریم‌های بین‌المللی پس از سال ۱۳۹۰ افزایش چشمگیری داشته است. موج سوم نیز در سال ۱۳۹۴ بود؛ هنگامی که برخی از کشورها به ویژه آلمان درب‌های خود را به روی پناهجویان جنگ‌زده خاورمیانه و شمال آفریقا گشود و در این میان نیز شمار فراوانی از ایرانیان از فرصت، بهره گرفته و به شیوه‌های گوناگون به اروپا کوچیدند که خودکشی برخی از آنها، کشته‌شدن در حین جابه‌جایی و لب‌دوختن برای اعتراض به وضعیت بد خود، به طور گسترده رسانه‌ای شد. در همه این سال‌ها، ایرانیان پس از سوری‌ها، عراقی‌ها و افغانی‌ها، در بالای فهرست شهروندان کشورهای پناهنده‌ای بودند که به پناهجویی روی آوردند؛ حتی گاهی ایران در صدر کشورهای مهاجر فرست یا پناهنده فرست جای می‌گرفت. برای نمونه، بر اساس آمار اداره مهاجرت استرالیا بیش از یک سوم پناهجویان غیر قانونی این کشور، ایرانی هستند. تنها در هفت ماه پیش از آگوست ۲۰۱۳، بیش از ۵۵۰۰ ایرانی کوشیدند خود را به استرالیا برسانند. روزنامه گاردین در گزارشی از افزایش سه برابری ورود پناهجویان ایرانی به کناره‌های دریایی استرالیا در سال ۲۰۱۳ آگاهی داده است. بنا بر این گزارش از ۱۵ هزار پناهجویی که از آغاز سال جاری میلادی به طور غیر قانونی به کناره‌های دریایی استرالیا رسیده‌اند، بیش از یک سوم آنها ایرانی است. همچنین به گزارش نهادهای بریتانیایی در بهار ۱۳۹۵، ایرانی‌ها بیشترین متقاضی پناهندگی به بریتانیا بوده‌اند و نزدیک به ۴۸۰۰ تن درخواست از سوی ایرانیان برای ورود به این کشور ثبت شده است. اداره مرکزی ثبت احوال خارجی‌ها در آلمان گفته که در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، بیش از یک میلیون و نیم پناهنده به این کشور وارد شده که بیشترین آنها از سوریه، افغانستان، ترکیه و ایران بوده است. تا پیش از پذیرش گسترده پناهندگان در این کشور، ایران در رتبه دوم پناهنده فرست به آلمان پس از ترکیه جای داشت که در هر دو کشور وضعیت جنگ‌زدگی در میان نبوده است.

چالش دیگر، وضعیت دانشجویان پرشمار ایرانی در اروپا، آمریکا و استرالیا است که پس از گذراندن بن‌بست‌ها و دشواری‌های تحریم‌های بین‌المللی، هم‌اکنون با وضعیت شکننده‌ای در آمریکا روبرو هستند. ۱۲ هزار دانشجوی ایرانی هم‌اکنون به کمک دستگاه قضایی آمریکا توانسته‌اند به ثبات نسبی برای پیوند با خانواده یا سفر به ایران برسند ولی سیاست دولت ترامپ در برابر ایرانیان هنوز به حالت عادی برنگشته و نگرانی فزاینده‌ای برای ایرانیان این کشور پدید آورده است. آزار برخی از ایرانیان در ماه‌های کنونی نیز نشان از دنباله‌دار بودن وضعیت شکننده آنها دارد. در فروردین ۹۶، آزار

بسته، در شرایط بسیاری بدی گذران زندگی می‌کنند. پیش از آن، دو لنج دیگر یکی با ۱۷ و دیگری با ۲۲ سرنشین نیز گرفتار دزدان دریایی سومالی شده بودند ولی یا توانسته بودند از دست گروگان‌گیرها با درگیری‌های خونین بگریزند یا کشتی‌های دیگر کشورها برای گریختن به آنها کمک کرده بودند. در این میان نیز در برخی موردها، کشتی‌های نیروی دریایی ارتش ایران، با دیده‌بانی دریایی و پشتیبانی از کشتی‌های بازرگانی ایرانی جلوی انجام راهزنی را گرفته‌اند.

کشته‌شدن چندین گروگان ایرانی و نیز وضعیت بسیار بد گروگان‌ها، سبب واکنش‌های گسترده به تهدید راهزنان برای ملوانان و کشتی‌های بازرگانی ایرانی شده است تا جایی که خانواده‌های گروگان‌ها پذیرفته‌اند تا پول درخواستی گروگان‌گیرها را بدهند ولی در این زمینه وزارت امور خارجه همه تلاش‌های خود را برای آزادی آنها به کار گیرد. به دراز کشیدن بازداشت گروگان‌ها سبب شد تا نماینده مردم زاهدان، بدون بررسی، به رسانه‌ها بگوید که هشت ملوان باقی مانده در دست دزدان دریایی سومالی، از طریق سفارت کشور سنگال به عنوان رابط، آزاد شده‌اند. ولی وزرات خارجه این خبر را نادرست دانسته و گفته است که ملوانان آزاد شده، کسانی‌اند که به اشتباه به آب‌های سرزمینی تانزانیا وارد شده و دستگیر شده بودند. سرنوشت ناروشن گروگان‌ها به همراه آزادی خونین یا از سر خوش‌شانسی گروگان‌های پیشین، به طور فراگیر امنیت ذهنی ماهی‌گیران و ملوانان و نزدیکان آنان از یک سو و امنیت دریایی جنوب خاورمیانه که کشتی‌های ایرانی در اینجا آمد و شد فراوان دارند را تهدید می‌کند؛ ولی فراتر از همه اینها تهدیدی است که به سوی اعتبار دولت در پیگیری شهروندان ایرانی در فراسوی جهان نشانه رفته است.



جسمی شدید یک پناهجوی نوجوان ایرانی در لندن سبب واکنش برخی مقام‌های انگلیسی از جمله رهبر حزب کارگر شد. همچنین گزارش‌هایی از آزار ایرانیان در ترکیه نیز بازتاب داشته است. ایرانیان خارج از کشور، همچنین یکی از بالاترین نرخ‌های زندانی و اعدامی را دارا هستند که بخش بزرگی از آن، به جهت محکومیت به قاچاق مواد مخدر به ویژه به کشورهای جنوب خاور آسیا است. پس از تنش میان ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان، شمار اعدامی‌های ایرانی در این کشورها نیز افزایش یافته است؛ چندان که در آذرماه ۹۵، دادگاهی در عربستان ۱۵ تن را به اتهام جاسوسی برای ایران به اعدام محکوم کرده است. پیش از آن نیز چندین ایرانی به همراه شیخ نمر النمر اعدام شده بودند. روشن است که شمار ایرانیان مهاجر، پناهجو، زندانی و اعدامی، نه تنها منجر به شکل‌گیری ذهنیت منفی نسبت به ایرانی و برخورد بد با آنها در دیگر کشورها می‌شود، بلکه این دید منفی را پدید می‌آورد که ایرانیان پراکنده در جهان، از کشوری دور شده‌اند که در آن حس پشتیبانی از سوی دولت نداشته‌اند، چه رسد به اینکه اکنون از آن دولت و سرزمین نیز جدا شده‌اند.

### ۳- دارایی‌های ایران در خارج از کشور

در آغاز فروردین ۹۶، دادگاه لوکزامبورگ اعلام کرد که دارایی توقیف‌شده ایران را آزاد نخواهد کرد. این واپسین کنش قضایی بر ضد دارایی‌های ایران در دنباله رویه دادگاه‌های برخی کشورها به ویژه آمریکا در این زمینه است. پیش از آن، در نیمه نخست اردیبهشت ۱۳۹۵، دیوان عالی ایالات متحده آمریکا، درخواست فرجام‌خواهی از آرایسی را نپذیرفت که بر پایه آن، ایران را به طور قطعی به پرداخت نزدیک به یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار به سود شاکیان پرونده‌ها محکوم می‌کند. شاکیان پرونده‌ها بزه‌دیدگان یا بازماندگان کشته‌شده‌های چندین اقدام تروریستی بر ضد آمریکا در سال‌های پیشین بوده است که ادعا شده است دولت ایران به عنوان حامی مرتکبان این اقدام‌های تروریستی بوده است.

حکم دادگاه لوکزامبورگ به درخواست شماری از بزه‌دیدگان رخداده تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا است که ایران متهم به همکاری با القاعده شده است. هر چند حکم دادگاه بر توقیف اموال ایران بوده است و نه رسیدگی به اتهام همکاری ایران با داعش در یورش به آمریکا، ولی چنین اقدامی، امنیت دارایی‌های ایران در دیگر کشورها حتی کشورهایی که با ایران پیوند سیاسی عادی دارند را با خطر روبرو می‌کند.

با آنکه پس از برجام، می‌بایست دارایی‌های مسدودشده ایران، آزاد شود ولی احکام برخی دادگاه‌ها به توقیف یا مصادره دارایی‌های ایران؛ نه تنها فرآیند آزادسازی دارایی‌های ایران را با تهدید روبرو کرده است که حتی برای دارایی‌های کنونی ایران نیز ناامنی پدید آورده است. با آنکه بانک مرکزی ایران در اطلاعیه‌ای در واکنش به حکم دادگاه لوکزامبورگ، آن را به معنای اجرای حکم قطعی دادگاه‌های آمریکا نمی‌داند ولی تهدید مصادره دارایی‌های ایران به ویژه با تأیید دیوان عالی آمریکا در چهره رویه قضایی نمود یافته و نشان می‌دهد که رویارویی آمریکا و برخی کشورهای دیگر، از رویکرد سیاسی یا تقنینی به سمت رویکرد قضایی رفته است. رویکردی که تهدیدش در سنجش با دو رویکرد دیگر، خطرناک‌تر، دنباله‌دارتر و البته مشروع‌تر است.

### ب: پشتیبانی‌های بایسته

دولت ایران برای پشتیبانی از ایرانیان بیرون از کشور باید دو پندار پنهان‌شده در سیاست‌ها و اندیشه‌های چند سال کنونی را بزدايد: نخست اینکه تنگناها و مشکل‌های پرشمار درون سرزمینی و نیز درگیری پیاپی سیاست خارجی با پرونده‌های کلانسی مانند توافق هسته‌ای یا درگیری‌های سوریه و دیگر کشورها یا تنش‌ها با اسرائیل و عربستان، برای دولت همیشه درگیر، وقتی نمی‌گذارد که به ایرانیان بیرون از کشور بیاندیشد و برای آنها برنامه و سیاست روشن و تأثیرگذاری داشته باشد. دوم این پندار که ایرانیان خاطی چه آنها که پناهنده می‌شوند یا به ناروا به سرزمین دریایی کشورهای دیگر می‌روند یا به قاچاق مواد مخدر یا کالای ممنوع روی می‌آورند یا به جهت کوتاهی خود، گرفتار راهزنان دریایی می‌شوند و مانند آنها را چرا باید پشتیبانی کرد؟ اینان به پای خود و به خواست خود به سمت گرفتاری‌ها و تهدیدها رفته‌اند و دولت نباید در

بسته به بخرانه بودن یا نبودن سیاست‌ها، آرامش یا ناامنی ایرانیان بیرون از کشور چه بسا بیشتر از ایرانیان درون سرزمین خواهد بود. جدا از این، دولت و به ویژه وزارت امور خارجه در زمینه ایرانیان بیرون از کشور باید بسیار حساس‌تر از دیگر موضوع‌ها و چالش‌ها باشد. به سخن دیگر هدف نخست وزارت امور خارجه، بر پایه بهبود وضعیت ایرانیان پای گذاشته از مرز است و پرداختن به امور کشورهای دیگر، امور نظامی، نشست‌های چندجانبه، موضوعات سازمان ملل و مانند آن به راستی در نوبت پسین جای می‌گیرند. روشن است که در دولت یازدهم، سیاست یکپارچه و روشنی برای پشتیبانی از ایرانیان خارج از کشور دیده نمی‌شود و از این جهت دولت یازدهم هر چند به انباشت چالش‌هایی از این دست در سنجش با دولت‌های پیشین روبرو بوده است ولی نتوانسته در مدیریت درست این چالش‌ها موفقیت زیادی به دست آورد که برونداد پایانی آن، کاهش یا دست‌کم در وضعیت ناخوشایند ماندن اعتبار و پرستیژ ملی است که بخشی از آن را ایرانیان خطا کار به زیر کشانده‌اند و بخشی دیگر را دولت به جهت مدیریت نکردن این گروه بزرگ از ایرانیان. در برخی موردها وزارت امور خارجه پیگیر وضعیت شهروندان ایرانی بوده است مانند دیدار وزیر امور خارجه در پاییز ۹۵ با نرگس کلباسی پشتیبان کودکان نیازمند در هند که به قتل غیر عمد یک کودک متهم شد. پس از این دیدار سر کنسول ایران در حیدرآباد نیز از خانم کلباسی در دادگاه پشتیبانی کرده تا در پایان، حکم دادگاه بر براءت بوده است. در اینجا قرارگیری اقدام کنسولی در طول اقدام سیاسی نشان از تأثیر گذاری داشته است ولی در قبال برخی رخدادها و پرونده‌های دیگر همیشه این چنین نبوده است.

تدابیر حقوقی بر پایه پیوندهای کنسولی دولت با نهادهای پلیسی و قضایی دیگر کشورها است. در دولت یازدهم و نیز با تصویب چندین قانون در زمینه انتقال محکومان در سال‌های کنونی از سوی مجلس شورای اسلامی، در این زمینه کوشش‌هایی انجام شده است؛ برای نمونه آمار زندانیان ایرانی در خارج از کشور از ۳۵۰۰ نفر در سال ۹۲ به ۲۳۷۰ نفر در سال ۹۳ کاهش یافته و این کاهش همچنان دنباله داشته است. بخشی از این کاهش به انتقال و جابه‌جایی محکومان از بیرون از کشور به درون کشور است که خود می‌تواند به انباشت بیشتر زندان‌های داخلی و بار کردن هزینه‌های اقتصادی به دولت بیانجامد ولی در همان حال وضعیت مناسبی برای ایرانی محکوم که به کشور خود آمده است، پدید می‌آورد. همین‌طور، در دولت یازدهم تا اندازه‌ای، فعالیت‌های کنسولی در سنجش با دولت پیشین افزایش یافته و در این راستا اقدام‌هایی نیز انجام شده است. در فروردین ۹۵، سر کنسول ایران در حیدرآباد از آزادی ۱۱ ماهی‌گیر ایرانی در هند آگاهی داد. کشتی

این زمینه هزینه‌کنند. هر دو پندار به راستی ناروا است؛ چرا که هر دولتی برای اعتبار و ارج ملی، به ملیت و تابعیت می‌نگرد و نه به عارضه‌های آن. به سخن دیگر، برای یک دولت نیرومند و شهروندمدار، فرقی نمی‌کند که چه خطایی از شهروند سر زده یا چه تهدیدی را به جان خریده است؛ بلکه وظیفه‌اش پشتیبانی نوعی از شهروند است. در نزد دولت، اعتبار ملی هنگامی به دست می‌آید که همه شهروندان ایرانی در هر کجای جهان، جدا از رویکرد سیاسی، مذهبی، زبانی، نژادی، جنسیتی و مانند آن پشتیبانی شوند.

پس از این پیش‌فرض که دولت باید پشتیبانی نوعی از ایرانیان را داشته باشد و نه شخصی و موردی؛ باید گفت که پشتیبانی‌های دولت می‌تواند به چهار شکل نمود داشته باشد: نظامی، سیاسی، حقوقی و معامله‌ای.

تدابیرهای نظامی برای دفاع مشروع در برابر سرزمین پویا یا همان ابزارهای حامل پرچم مانند کشتی است. در دریاهای آزاد که از آن همه کشورها پنداشته می‌شود، هرگونه کنش نظامی در برابر یورش به ویژه از سوی دزدان دریایی روا دانسته می‌شود. بنابراین یکی از دستاویزهای برجسته برای رویارویی با راهزنان دریایی سومالی چنان‌چه در دریاهای آزاد باشد، بهره‌گیری از رویارویی نظامی از سوی دولت ایران است.

تدابیر سیاسی، پایه‌ای‌ترین و برجسته‌ترین تدبیر برای پاسداشت حقوق ایران و ایرانیان خارج از کشور است. تنش‌زدایی، برقراری پیوند سیاسی استوار، همکاری‌های بین‌المللی و پلیسی بدون نگرانی و یا وسواس، لغو روایت گسترده و دوری از پیام‌های تهدیدآمیز و تلافی‌جویانه به ویژه نسبت به کشورهای همسایه می‌تواند زمینه شایسته‌ای برای آرامش ایرانیان بیرون از کشور داشته باشد چه در جهان امروز نمی‌توان به آسانی پذیرفت که ایرانیان بیرون از کشور از سیاست‌های خارجی حاکمیت در ایران تأثیر نمی‌پذیرند و در کنار آسایش ایستاده‌اند؛ بلکه

این ماهی گیران در جنوب هند به مدت هشت ماه بازداشت و سرنشینان آن نیز روانه زندان شده بودند. بازداشت سه ماهی گیر ایرانی در کویت در زمستان ۱۳۹۴ نیز با رایزنی‌های کنسول ایران در کویت همراه بود. تدابیر معامله‌ای به معنای تن دادن به همراه چانه‌زنی به درخواست کسانی است که از ایرانیان گرفتار در بیرون از کشور به عنوان دستاویز دریافت باج، بهره می‌گیرند که این مورد درباره گروه‌های سازمان یافته جنایی و بزهکاران است و نه دولت‌ها. درباره راهزنان دریایی سومالی، که بیشتر فعالیت‌های خود را برای دریافت پول انجام می‌دهند، دولت ایران باید در کوتاه‌ترین زمان از همین دستاویز یعنی جابه‌جایی گروگان با پول درخواستی بهره می‌گرفت. دلیل این امر، ویژگی‌های راهزنی در خلیج عدن و باختر اقیانوس هند است که نشان می‌دهد نمی‌توان از دولت مرکزی سومالی یا دیگر کشورها یا با پیوندهای سیاسی یا گفتار تهدیدآمیز یا اقدام نظامی، به رویارویی با راهزنان دریایی پرداخت. نخستین راه در اینجا همانا معامله است در حالی که در همه این سال‌ها برای آزادی گروگان‌های ایرانی در این زمینه یا از این روش به خوبی بهره گرفته نشده است.

### نتیجه‌گیری

کشیدن تصویر ایرانی در پیکره یک پناهجو، مهاجر غیر قانونی، قاچاقچی و مانند اینها و پیرو آن، شناساندن ایران به عنوان کشوری در سطح کشورهای آشوب‌زده یا جنگ‌زده مانند سوریه، عراق و افغانستان، چالشی بوده است که دولت یازدهم نتوانسته است آن را از پیش رو بردارد. حتی می‌توان گفت با تنش‌های سیاسی پدیدآمده با برخی کشورهای همسایه یا ایالات متحده، وضعیت بدتر هم شده است. هرچند برای تنش‌های بین‌المللی، قوه مجریه پیش قدم نبوده ولی کنارزدن آنها، کار دستگاه دیپلماسی است.

چندین راهکار برای رسیدگی به وضعیت ایرانیان خارج از کشور به ویژه ماهی گیران، بازرگانان، پناهجویان و دانشجویان و بر ساختن چهره راستین ایران و ایرانی در نزد جهانیان هست که باید به آنها روی کرد: نخست آنکه رفتن چند گاهه یا همیشگی ایرانیان به بیرون از کشور حتی در مقام پناهجوی ایرانی آنها را از شهروندی ایرانی و حقوق آن بیرون نمی‌برد. چنین کسانی از هر جهت همان حقوقی را دارند که شهروندان درون سرزمینی دارند؛ بنابراین دولت باید نگرش مثبت همراه با تدبیرهای پشتیبانی‌کننده نسبت به چنین ایرانیانی داشته باشد؛ به ویژه آنکه دولت در رونمایی از منشور حقوق شهروندی در پاییز ۱۳۹۵، همه دستگاه‌های اجرایی و پیرو آن وزارت امور خارجه را مکلف ساخته که منشور حقوق شهروندی را در این زمینه پیاده کنند. بر پایه ماده ۱۱۷ منشور، دولت

برای حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور و بهبود وجهه بین‌المللی ایران، برنامه‌ریزی و اقدام خواهد نمود. اجرای این ماده به همراه دیگر ماده‌ها برای نهادهای دولتی بایسته و اجباری است. بنابراین پشتیبانی از شهروندان ایرانی بیرون از کشور در هر وضعیت یا جایگاهی که باشند نه تنها برای بهبود چهره بین‌المللی ایران که به گونه‌ای تکلیف دولت بر دادن حقوق شهروندی است.

دوم آنکه سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در کشورهای دیگر رویکرد تبعیض آمیز نسبت به ایرانیان بیرون از کشور به ویژه پناهجویان نداشته باشند. باید سیاستی در پیش گرفته شود که به طور روشن سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها، پذیرای همه ایرانیان و به ویژه پناهجویان ایرانی باشند؛ به ویژه آنکه وضعیت پناهجویان ایرانی در کشورهای دریافت‌کننده پناهندگان، بسیار دیرتر از پناهجویان کشورهای جنگ‌زده روشن می‌شود و در این مدت بسیار رخ داده که پناهجو از اقدام خود پشیمان و آهنگ بازگشت به کشور خود را دارد.

سوم اینکه، دولت باید برای سازمان‌های جنایی بین‌المللی مانند راهزنان دریایی در کوتاه‌مدت از معامله و تن دادن به خواسته‌های آنان برای نگاه‌داشت جان گروگان‌های ایرانی بهره بگیرد و در میان‌مدت یا درازمدت به همکاری پیاپی و فراگیر با کشورهای دیگر پردازد که آزموده بزه‌های سازمان‌یافته و تروریستی نشان داده است که تنها در سایه این همکاری‌های بین‌المللی و دوری از تک‌روی، کاهش آنها میسر شده است.

